

تأمین مالی صنعتی در ایران

پروژه‌های درباره تجربه مالی در یک کشور کمتر توسعه یافته

www.ketab.ir

ریچارد الیوت بندیک

عضو گروه مشاوران دانشگاه هاروارد در ایران

سروشنامه

عنوان و نام پدیدآور

مشخصات نشر

مشخصات ظاهری

شابک

وضعیت فهرست نویسی

یادداشت

موضوع

شناسه افزوده

شناسه افزوده

شناسه افزوده

رده ملی کتاب

رده بندی یوبی

شماره کتابخانه ملی

ریچارد الیوت بندیک - Benedick, Richard Elliot - عضو گروه مشاوران دانشگاه هاروارد در ایران
تأمین مالی صنعتی در ایران: پژوهشی درباره تجربه مالی در یک کشور کمتر توسعه یافته/ ریچارد الیوت بندیک؛
مترجم اصلاصن قودجانی؛ کساری از اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی استان خراسان رضوی؛
[به سفارش] اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی استان خراسان رضوی، دفتر پژوهش‌های اقتصاد و توسعه
مشهد: نوین طراحان آزاد، ۱۳۹۴.

۲۶۸ ص

۹۷۸-۶۰۰-۹۳۳۵۴-۶-۶

فیفا

عنوان اصلی:

INDUSTRIAL FINANCE IN IRAN:

A Study of Financial Practice in an Underdeveloped Economy, 1964

امور مالی - ایران

قودجانی، اصلاصن، ۱۳۵۳ - مترجم

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی استان خراسان رضوی

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی استان خراسان رضوی، دفتر پژوهش‌های اقتصاد و توسعه

۱۳۹۳ ۹ب۹الف/ HG1۸۷

۳۳۲/۰۹۵۵

۳۶۶۶۲۱۹

کاری از: اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی خراسان رضوی

نویسنده: ریچارد الیوت بندیک

مترجم: اصلاصن قودجانی

چاپ اول: ۱۳۹۴

شمارگان: ۲۰۰۰

بایگاه اطلاع‌رسانی: www.mccima.com

پست الکترونیکی: info@mccima.com

تلفن: ۰۵۱-۳۳۲۱۶۰۰۰

نمابر: ۰۵۱-۳۳۲۱۶۰۴۰

ناشر: نوین طراحان آزاد ۳۵۰۲۹۷۱۳-۰۵۱

۰۹۱۵۵۵۹۳۸۶۱

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۳۳۵۴-۶-۶

کلیه حقوق این کتاب برای اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی خراسان رضوی محفوظ است.

در این کتاب می خوانید

پیشگفتار	
مقدمه	
فصل ۱: کلیات	
پیشگفتار نویسنده	
بخش ۱: پیشگفتار	۲۵
مقدمه: فرهنگ توسعه تأمین مالی	۲۶
فصل ۱: زمینه اقتصادی	۳۱
منابع	۳۱
برنامه توسعه	۳۳
تاریخچه اقتصادی اخیر	۳۵
فصل ۲: از کوزه سازی تا پلاستیک: تاریخچه و ساختار صنایع	۳۸
صنعت امروزی: آغاز به کار و ناطمینانی ها	۳۹
اواسط دهه ۱۹۵۰: انقلاب صنعتی ایران	۴۰
منسوجات	۴۲
فرآوری غذایی	۴۳
مواد اولیه ساختمانی: سیمان، آجر، کاشی	۴۴
کالاهای فلزی و تعمیر کارگاه ها	۴۴
سایر صنایع	۴۵
اندازه کارخانه ها	۴۶
موقعیت صنایع	۴۷
سازماندهی صنایع	۴۸

سیاست ها و برنامه های حکومت	۴۸
فصل ۳: فرهنگ و توسعه صنعتی در ایران	۵۲
تأثیر تاریخ و خانواده	۵۳
برنامه ریزی و داده های عینی	۵۵
اخلاق، بی اعتمادی و سرمایه گذاری	۵۶
بخش دوم: بازارهای پول	۵۹
فصل ۴: سرمایه داخلی: کارخانه داران و سرمایه گذاران	۶۰
سرمایه در گردش	۶۱
ساختار سرمایه و نرخ بازده	۶۲
سایر فعالیت های جذب کننده سرمایه	۶۵
بازار سرمایه: خطرها و فرصت ها	۶۷
فصل ۵: سرمایه خارجی: مخاطرات و روندها	۷۰
مخاطرات سیاسی	۷۱
قصور در بازار محرم وام ها	۷۲
عدم امکان تبدیل سرمایه و مخاطرات کاهش ارزش پول	۷۳
وام های بلندمدت	۷۴
اعتبارات عرضه کنندگان جهیزات	۷۵
سرمایه خارجی	۷۶
فصل ۶: بازار به مثابه یک نهاد مالی	۷۸
منشأ منابع مالی بازار	۷۸
سفته	۷۹
کاربردهای منابع مالی بازار	۸۰
بازار و چرخه های کسب و کار	۸۱
بازار و هزینه سرمایه	۸۲
فصل ۷: نظام بانکی	۸۵
ساختار بانکداری: مالکیت، وام ها و سپرده ها	۸۵
بانک های جدید خارجی	۸۶
سفته های موجود در همه جا	۸۷

۸۸	ضمانت های بانکی: سودهای زجرآور
۸۹	عملیات بانکی و نظارت بر آن
۹۱	تأمین مالی توسعه صنعتی
۹۳	بخش سوم: نهادهای جدید
۹۴	فصل ۸: بانک اعتبارات صنعتی
۹۴	بخش اول: سرمایه، معیارها و شروط
۹۴	پیشینه و کارکردها
۹۸	ساختار سرمایه
۹۸	سازماندهی
۹۸	معیارهای گزینش طرح ها
۹۶	• سقف از تأمین مالی
۹۷	• قیمت
۹۸	• مأمیت صنعتی
۱۰۰	• اندازه و موقت بودن سرمایه
۱۰۰	شرایط تأمین مالی
۱۰۰	• قیمت وام ها
۱۰۱	• شرایط بازپرداخت
۱۰۲	• وثیقه
۱۰۳	فصل ۹: بانک اعتبارات صنعتی
۱۰۳	بخش دوم: دستورالعمل فعلی و برنامه آینده
۱۰۳	بررسی طرح و تصویب آن
۱۰۵	نظارت بر وام
۱۰۷	سایر فعالیت های «بانک اعتبارات صنعتی»
۱۰۷	سود و ذخایر
۱۰۸	برنامه های آینده
۱۱۲	فصل ۱۰: صندوق تجدید نظر در ارزش پشتوانه اسکناس
۱۱۲	قسمت اول: منابع و انتخاب طرح
۱۱۳	زمینه، سرمایه و کارکردها

تشکیلات	۱۱۴
ملاک های گزینش طرح ها	۱۱۴
• هدف تأمین مالی	۱۱۴
• مالکیت	۱۱۵
• ماهیت صنایع وام گیرنده	۱۱۶
• اندازه	۱۱۸
• موقعیت مکانی	۱۱۹
فصل ۱۱: صندوق تجدیدنظر در ارزش پستوانه اسکناس	۱۲۱
قسمت دوم: شرایط، ارزیابی ها و نظارت	۱۲۱
شرایط تأمین مالی	۱۲۱
• هزینه وام	۱۲۱
• شرایط بازپرداخت	۱۲۱
• تنبیه	۱۲۲
تحت عنوان تصویب طرح	۱۲۳
• برنامه ام ها، بزرگ	۱۲۳
• برنامه وام های کوچک	۱۲۵
نظارت بر وام ها	۱۲۵
تجربه «صندوق تجدید نظر در ارزش پستوانه اسکناس»	۱۲۷
فصل ۱۲: بانک توسعه صنعتی و معدنی	۱۲۹
بخش اول، سرمایه گذاران با سرمایه خالص	۱۲۹
اهداف و کارکردها	۱۳۰
ائتلاف خارجی	۱۳۱
• انگیزه های سرمایه گذاری	۱۳۲
• تردید درباره سلطه بیگانه	۱۳۴
سرمایه گذاران داخلی	۱۳۵
• فروش سهام عمومی	۱۳۵
• سیمای مالکان	۱۳۵
• روابط سهامداران	۱۳۶

فصل ۱۳: بانک توسعه صنعتی و معدنی ۱۴۰

بخش دوم، مسائل مربوط به حمایت حکومت ۱۴۰

میزان کمک های حکومت ۱۴۰

شروط مساعدده نقدی ۱۴۱

شروط سبب سهام تحت نظارت بانک ۱۴۲

جمع آوری اقساط وام های تحت نظارت ۱۴۳

انحصار در وا مدهی ۱۴۴

تغییر در سیاست گذاری ۱۴۵

فصل ۱۴: بانک توسعه صنعتی و معدنی ۱۱

بخش سوم: وام های «بانک بین المللی ترمیم و توسعه» و ۱۱

«صندوق تجدید نظر در ارزش پشتوانه اسکناس» ۱۴۸

نات هر ه با پرداخت ۱۴۸

واریز کرسو، واه ۱۵۰

شروط مالی ۱۵۱

رابطه طرح های مرآت ۱۵۲

شروط ویژه «صندوق وام توسعه» ۱۵۳

ضمانت های اصلی ۱۵۴

مشکلات انطباقی ۱۵۵

«صندوق وام توسعه» به مثابه رقیب ۱۵۶

روال عملی وام ها ۱۵۸

فصل ۱۵: بانک توسعه صنعتی و معدنی ۱۶۰

بخش چهارم: انواع کمک ها و شروط آنها ۱۶۰

معیارهای گزینش طرح ۱۶۰

• هدف از تأمین مالی ۱۶۰

• مالکیت ۱۶۱

• ماهیت صنعت ۱۶۱

• اندازه و موقعیت ۱۶۳

شروط تأمین مالی ۱۶۵

• هزینه های وام	۱۶۵
• دوره بازپرداخت	۱۶۶
• تضمین	۱۶۷
حرکت به سوی بازار سرمایه ایران	۱۶۷
• سرمایه گذاری در سرمایه خالص	۱۶۷
• پذیره نویسی و پژوهش	۱۷۰
کمک فنی و سایر فعالیت های غیر وام دهی	۱۷۲
فصل ۱۶: بانک توسعه صنعتی و معدنی	۱۷۴
بخش پنجم: تحلیل، نظارت و سود	۱۷۴
بررسی و تصویب طرح ها	۱۷۱
نظارت بر وام ها	۱۷۶
• الزامات وام گیرنده ها	۱۷۶
• اگذار وام و پیگیری آن	۱۷۷
وام های تک مرحله ای	۱۷۸
سبد وام و مدیریت نظارت	۱۸۰
سودها، ذخایر و سود باقیمانده	۱۸۲
منابع مالی آینده	۱۸۴
فصل ۱۷: صندوق ضمانت صنعتی ایران و امین	۱۸۶
پیشینه و وظایف	۱۸۶
روش های مختلف وام دهی	۱۸۷
هیأت مدیره و بانک ها	۱۸۸
معیارها و شروط	۱۹۰
تصویب طرح و نظارت بر آن: مؤسسه پیمایش و مشاوره	۱۹۱
نتایج و ارزیابی عملکرد	۱۹۲
بخش ۴: مطالعات موردی	۱۹۹
فصل ۱۸: شرکت روغن نباتی اصفهان	۲۰۰
خاستگاه ها و دوزنها	۲۰۰
سهام	۲۰۱

اعتبار تأمین کنندگان تجهیزات	۲۰۱
وام « بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران »	۲۰۲
تأمین مالی سرمایه در گردش	۲۰۴
ارزیابی یک کارخانه دار	۲۰۴
فصل ۱۹: بی. اف گودریچ ایران	۲۰۶
شروع کار یک صنعت در ایران	۲۰۶
سرمایه سهامداران	۲۰۸
بدهی بلندمدت	۲۰۹
تأمین مالی سرمایه در گردش	۲۱۱
بسته و چشم انداز آینده	۲۱۴
بخش پنجم: نتیجه گیری	۲۱۷
فصل ۲۰: سرمایه در صنایع: شروط کمک و انواع آن	۲۱۸
سیاست نرخ بهره	۲۱۹
مشکل سرمایه در گردش	۲۲۰
تنگنای وام های خارجی	۲۲۲
پیشرفت بازار سرمایه	۲۲۳
کمک مشورتی	۲۲۵
فصل ۲۱: گزینش و تحلیل طرح ها	۲۲۷
اصول گزینش	۲۲۷
• تحلیل صرّفه های بیرونی و هزینه فرصت	۲۲۷
• الگوهای صنایع	۲۳۰
تحلیل وام ها و امور اجرایی آنها	۲۳۲
• ابعاد تحقیق	۲۳۲
• نظارت بر وام و پیگیری	۲۳۳
فصل ۲۲: وظایف مختلف در تأمین مالی صنعتی	۲۳۶
پیوست الف: جداول	۲۴۱
پیوست ب: نکات آماری	۲۵۷
مآخذ	۲۶۱

پیشگفتار

رشد و توسعه اقتصادی و فرهنگی هر جامعه دارای ضابطه‌ها و معیارهایی است که نمی‌توان از کنار آن گذشت. توجه به این ضابطه‌ها و سنت‌های تاریخی، همگام با استفاده از تجربه دیگران، می‌تواند در کوتاه‌ترین مدت، اقتصاد و فرهنگ جامعه را با کمترین هزینه و بیشترین نتیجه در جهت توسعه سوق دهد.

پیشرفت‌های فن آوری سریع و عظیم در کشورهای توسعه یافته در چند دهه اخیر از یک طرف، و عدم وجود قدم‌های موثر در جهت ایجاد ساختارهای مطلوب توسعه در کشورمان از طرف دیگر، فاصله تولیدی و اقتصادی ما با کشورهای مذکور را به حد غیر قابل تصویری افزایش داده است، به ترتیبی که بدون برداشتن گام‌های اساسی و سریع و مبتنی بر تحلیل کارشناسانه در راستای تولید محوری، این فاصله باز هم بیشتر شده، پیشرفت کشور را دستخوش خطر می‌سازد و منابع کشورمان را همچنان کاهش خواهد بخشید.

جامعه ایران برای پیروزی در جبهه اقتصادی و در نتیجه برای به دست آوردن استقلال اقتصادی، باید فرایند توسعه کشور را تسریع نماید. این راه از آینده نگری علمی، فنی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، تعیین راهبرد رشد و توسعه و توسعه مبتنی بر واقعیت، آمایش سرزمین، هدفگذاری اصل «انتخاب و تمرکز» و در درجه نخست بهره گیری اصلی از ظرفیت‌های موجود، که به خوبی از آنها استفاده نمی‌شود، می‌گذرد.

کشورمان گرچه توانمندی‌های خود را به طور نسبی در زمینه سیاسی و امنیت کشور با نگاهی تحسین آمیز در معرض دید جهانیان قرار داده، لیکن در زمینه اقتصادی با مرتکب شدن اشتباهات متعدد، قادر نشده‌ایم آرامش و رشد پایدار به وجود بیاوریم. مقام معظم رهبری به کرات در این خصوص تذکر فرموده‌اند: از جمله «لکن صریحاً عرض می‌کنم تحولاتی که در زمینه اقتصادی انجام گرفته، متناسب با تحولات در بخش‌های دیگر نیست. به آن سطحی که باید رسیدیم، قطعاً نرسیده ایم و این برای ما دردناک است (۱۳۸۵/۱۱/۳۰)» و یا «جنگ اقتصادی هم یک دست است. می‌خواهند ملت ایران را از لحاظ اقتصادی در تنگنا قرار دهند. (۱۳۸۶/۱/۱)». در سخنی دیگر برای اقتصاد یک کشور، مهم ترین بخشی که می‌تواند شکوفایی پایدار به وجود بیاورد، تولید است، به خصوص آن بخش اقتصاد تولیدی که متکی است به دانش، متکی است به علم، (۱۳۹۰/۱/۸) و یا «اگر نقاط منفی را نه بینیم، ضعف‌های خودمان را نشناسیم، یقیناً ضربه خواهیم خورد. نقاط ضعف ما، هم در زمینه اقتصادی است، هم در زمینه‌های فرهنگی است. ما خطاها داشتیم، ضعف‌ها داشتیم، بر بعضی از چالش‌ها توانستیم غلبه کنیم. این واقعیتی است (۱۳۹۰/۵/۱۶)».

بی‌برنامه بودن دولت‌های مختلف و عدم فراگیری از اشتباهات گذشته، باعث ضعف اقتصاد کشورمان گردیده و چشم طمع دشمنان کشورمان را به ما دوخته است. بر اثر همین ضعف‌ها، شرایط خطیری را شاهد هستیم که با تدبیر و عقلانیت می‌بایست بر این وضعیت غلبه نماییم.

تحریم‌های اعمال شده توسط قدرت‌های جهانی علیه ایران، شرایطی را فراهم آورد که بحران‌های خفته در سطوح مختلف اقتصاد کشور، برای ما زودتر آشکار گردد و چشمانمان به حقایق عیان شده ساختار نحیف و به شدت ضربه پذیر موجود در اقتصاد کشور، بیشتر گشوده گردد. مجدداً تأکید می‌نمایم زودتر، زیرا اگر این تحریم‌ها هم بر ما تحمیل نمی‌گردید، قطعاً تا کمتر از یک و نیم دهه، این شرایط برای کشورمان حادث می‌گردید.

با توجه به لحاظ زمان حاضر که شاهد ظهور بحران‌هایی در بخش‌های مختلف کشور - اعم از بیکاری، رکود، تورم، محیط زیست، آب، اتمام منابع و بالاخص گسترده‌ی ناهنجاری‌های اجتماعی و رفتاری و غیره در تاریخ ایران هستیم - بی‌توجهی به این بحران‌ها و عدم تبدیل آنها به فرصتی برای رشد و ارتقاء، انبوهی از مشکلات و ناآرامی‌ها را در پی دارد که شاید فرصت اصلاح و بهبود را برای سال‌ها از ما طلب نماید.

برای فائق آمدن بر مشکلات، تسلط و اشرف بر اشتباهات به دفعات تجدید شونده و تکراری که اضمحلال منابع کشور را به دنبال داشته، از جمله «اتحاد بین‌المللی مذاکرات است. این گفتار که «گذشته، چراغ راه آینده است»، حقیقتی کاملاً ملموس را در خود نهفته دارد. کسی که پیش رو دارید، در حقیقت برای آگاهی از اشتباهات گذشته و از کتب منتشره توسط «گروه مشاوران دانشگاه هاروارد» است که در تهیه برنامه عمرانی سوم پیش از انقلاب، در ایران حضور داشتند. تا امروز تنها یک کتاب به همت آقای علی اعظم محمد بیگی، ترجمه و انتشار یافته بود. کتاب مهم حاضر به واقع تأسیل کننده کتاب اول است. دو کتاب دیگر نیز در راستای رسانی که اتفاق مشهود برای خود نائل است، به زودی توسط این اتاق انتشار خواهد یافت.

مطالعه این کتاب، خواننده محترم را به فضائی رهنمود می‌نماید که گویا تحلیل شرایط امروز را در حال مرور است و در می‌یابد که در زمینه اقتصاد و توسعه، قادر به فهم مشکلات خود نشده و به واقع، در هنوز بر همان پاشنه می‌چرخد. برای روشن نمودن این موضوع با رجوع به صفحه ۵۶ کتاب ملاحظه می‌فرمائید که:

«ناکامی در برنامه ریزی، منجر به افزایش هزینه‌ها و اتلاف منابع و زحمات می‌شود. هر گردشگری که پایتخت را ببیند، بلافاصله به پیامدهای ناگوار برنامه‌ریزی ناقص پی می‌برد. خیابان‌های تهران کم و بیش همواره در حال تعمیر بوده، دائماً شکافته شده و دوباره پُر می‌شوند تا اصلاحاتی در نصب تاسیسات ناهماهنگ برق، آب و گاز در آنها انجام شود. هزینه‌های این بی‌برنامگی‌ها معلوم است. مسئولان، تازه پس از تکمیل شدن یک کارخانه روغن زیتون دریافتند آن کارخانه تا به بار نشستن محصول زیتون

منطقه، سال‌ها باید ضرر بدهد. یکی از کارخانه‌های بزرگ سیمان به مشتریان خود گفته بود باید سیمان را در کارخانه بخرند، زیرا برای توزیع سیمان تمهیداتی در نظر گرفته نشده است. وقتی در چنان شرایطی فروش سیمان کاهش یافت، ناکافی بودن مساحت انبار باعث شد که یکی از کوره‌ها از خط تولید خارج شود، درحالی که تقاضای سیمان بسیار زیاد بود. اشتیاق بی حد و حساب کارآفرینان به «تقلید از پیشگام در فلان صنعت» که به شکل تاسیس مقلدانه و ناسنجیده از «پیشگام» - بدون بررسی ظرفیت بازار - انجام می‌شود، در برخی صنایع منجر به اضافه ظرفیت خاد در آن مناطق و اشباع بازار شده است (حکومت قادر است یا صادر نکردن جواز تولید از این وضعیت جلوگیری کند ولی تا به امروز فقط به تحریک اشتیاق آن کارآفرینان سهل‌انگار پرداخته است). بحران‌های سرمایه در گردش از دیگر مصادیق برنامه ریزی ناقص است. آیا وجود واحدهای تولیدی مشابه و تکراری و بدون اقتصاد مقیاس که اتلاف منابع را به همراه داشته، نبود برنامه ریزی، بحران‌های سرمایه در گردش واحدهای تولیدی و امثالهم، مشابه شرایط حاضر می‌باشد؟

از جمله موانع توسعه صنعتی ایران که نویسنده محترم به آن توجه عمیق نموده‌اند، همانگونه که در صفحه ۶۶ ملاحظه می‌فرمایید: «مستغلات، که واجد تاریخی مملو از تجارب موفقیت آمیز بوده است، بر سرمایه‌گذاری صنعتی برتری دارد» و در همین فصل دو عامل مستغلات و سفته را مانع توسعه صنعتی ایران تشخیص می‌دهد. سفته در حقیقت نماد بازار در معاملات خارج از نظام بانکی و قدرت وام‌دهی خارج از کنترل سیاست‌گذاران مال و اعتباری در نظر گرفته شده است. آیا همین شرایط را اکنون نیز در پیرامون خود مشاهده نمی‌نمائیم؟

اتاق مشهد در راستای بخشی از وظائف خود که اگای دهی به فعالین و جامعه اقتصادی، دانشگاهیان و کارشناسان کشورمان می‌باشد، اقدام به در دسترس قرار دادن کتاب مفید و مغفول مانده اقتصادی برای فارسی زبانان کرده است. وظیفه خود می‌دانم که از جناب آقای استاد آفاق تشکر کنم که اقدام به ترجمه این کتاب نموده و نیز از استاد محترم جناب آقای دکتر بهروز هادی تشکر کنم. خدمت بازبینی دقیق ترجمه و تقریر مقدمه را متقبل گردیدند، سپاسگزاری نمایم. همچنین در این جا به تشکر خود می‌دانم از جناب آقای مهندس سید محمد بحرینیان که طی سال‌های اخیر با همت و پشتکار خستگی‌ناپذیر، زمینه‌ساز ارائه چنین مجموعه‌های مغفول مانده اقتصاد کشورمان به جامعه تولیدی، صنعتی و دانشگاهی کشور بوده‌اند، کمال قدردانی و تشکر را داشته باشم.

امید که تجارب عرضه شده این کتاب مفید واقع گردد. از مطالعه کنندگان محترم درخواست می‌نمایم اتاق مشهد را در راستای ارتقاء خود، از پیشنهادات و همچنین اشتباهات احتمالی کتاب محروم نسازند.

غلامحسین شافعی

کتابی که در پیش رو دارید در سال ۱۳۴۳ هجری شمسی توسط دانشکده بازرگانی هاروارد به زیور چاپ آراسته شده است. موضوع کتاب همانطور که از عنوان آن پیدا است مربوط به تامین مالی صنعتی در ایران است. عضویت نویسنده کتاب در هیئت اقتصادی امریکا در ایران و اقامت دو ساله او در تهران، فرصت مناسبی برای آشنایی او با مدیران دولتی، بانکداران و محافل کسب و کار ایران و برقراری ارتباط با آنها فراهم آورد.

به رغم آن که این کتاب پنجاه سال پیش منتشر شده است، مطالب آن از جهات مختلف برای خواننده امروزی و علاقمند به مسائل اقتصادی ایران می تواند آموزنده باشد. خوانندگان این کتاب نه تنها با تاریخ تحولات اقتصادی ایران در سده بیستم میلادی و دلایل عقب ماندگی کشور در آن زمان آشنا خواهند شد، بلکه با عملکرد بازارهای مالی ایران و علل عدم توسعه بازارهای مالی در ایران نیز در آن دوره آشنایی پیدا می کنند. در مورد اخیر باید گفت که متأسفانه ما هم امروز در بازارهای مالی بطور اعم و در بانکداری نوین بطور اخص کم پیش با همان مسائلی دست به گریبان هستیم که نسل قبل از ما با آن مواجه بوده است.

برای آشنایی خوانندگان محترم با بسیر اقتصادی و احث کتاب باید گفت، بعد از انعقاد قرار داد کنسرسیوم در سال ۱۳۳۴ و رونق نفتی و افزایش کمک های خارجی، دولت ایران بر آن شد که گام در راه صنعتی شدن با رویکرد جانشینی واردات بگذارد. استراتژی دولت وقت این بود که بموازات سرمایه گذاری مستقیم بخش عمومی در صنعت و معدن، مشارکت بخش خصوصی داخلی و خارجی را برای این منظور جلب کند. برای این منظور بخش صنعت کشور را عوارض تعرفه های گمرکی، معافیت های مالیاتی و اعتبارات ارزان قیمت مورد حمایت قرار گرفت. اما این حمایت ها در غاب نهادهای مالی تخصصی به منظور تجهیز و تخصیص منابع مالی به بخش صنعت نمی توانست کار ساز باشد. از اینرو دولت با توجه به عقب ماندگی بازارهای مالی، تدابیری اتخاذ کرد که از مهمترین آنها می توان به تاسیس بانک اعتبارات صنعتی، اعطای وام به صنایع از محل عایدات دولت از تجدید ارزیابی پشته های نفتی و مهم تر از همه تشکیل بانک توسعه صنعتی و معدنی اشاره کرد. این بانک که با مشارکت دولت، بخش خصوصی داخلی و سرمایه خارجی شکل گرفته بود در کنار بانک اعتبارات صنعتی که به صنایع کوچک و متوسط وام می داد، در دهه های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ نقش بارزی در توسعه و شکوفایی صنعت ساخت در ایران ایفا کردند. در کتاب حاضر نویسنده با دقت علمی و بصیرت کارشناسی در خور تحسینی، موضوع تامین مالی صنعتی را در کشور ما با توضیح نقش این نهادها بر عهده گرفته است.

نویسنده کتاب، کار تحقیقی خود را با دو پیش فرض آغاز کرده است. اول آن که هر چند بهبود بهره وری در بخش کشاورزی اقتصادهای عقب مانده برای افزایش درآمد آنها حائز اهمیت است، اما تسریع در انباشت سرمایه و رشد تولیدات صنعتی در مرحله ای از توسعه اقتصادی به اقدام حیاتی برای

تداوم رشد متوازن تبدیل می‌شود. دوم آن که سرمایه‌گذاری خصوصی و کارآفرینی در بخش خصوصی از اهمیت فراوان برخوردار است. هر دو این فروض امروزه نیز صادق است.

نویسنده بلافاصله به موانع انباشت سرمایه در کشورهای عقب مانده می‌پردازد و در این زمینه چنین استدلال می‌کند که یک مانع عمده در مسیر رشد سرمایه، ناتوانی نهادهای و فنونی است که برای هدایت صنایع داخلی و کمک‌های مالی بالقوه خارجی به سرمایه‌گذاری‌های مولد به کار می‌روند. او می‌گوید جوامع کمتر توسعه یافته نیز پس‌اندازهایی دارند. این اندوخته‌ها را باید به قلمرو هایی نا آشنا سوق داد که مستلزم تمرکز سرمایه و مهارت‌های جدید هستند تا به این ترتیب مخاطرات ناشی از کوچک بودن مقیاس، بی ثباتی بازارهای محلی و کمبود منابع مکمل کاهش یابد. اما نا اطمینانی‌های سیاسی و اقتصادی - معمولاً موجب کاهش انگیزه به کارگیری سرمایه‌ها در بلند مدت می‌شوند زیرا سرمایه‌گذاران می‌دانند که نرخ تنزیل درآمدهای آینده خیلی زیاد است. به نظر نویسنده کارآفرینان به کمک مالی راهنمایی‌های مدیران و فنی نیاز دارند و بدون هر دوی این‌ها سرمایه، هر چقدر هم که بدرستی به کار گرفته شود به بی بهره می‌ماند و سرمایه نخواهد رسید.

او چنین استدلال می‌کند که کشورهای مالی داخلی در حال توسعه از جمله ایران از لحاظ بررسی اعتبارات بلند مدت بهره‌ای از اعتبارات تجربه کافی ندارند. بانک‌های تجاری، خانواده‌های ثروتمند و ربا خواران بازاری معمولاً منابع کافی برای اقدامات تولیدی را فراهم نمی‌کنند و نقدینگی و سود معمولاً به کاربردهای کوتاه مدت متعلق است. انجیل مستغلات، احتکار و تجارت مبتنی بر واردات اختصاص می‌یابد.

هدف همه بانک‌های توسعه‌ای در کشورهای در حال توسعه (که با نظام بانکداری متعارف تفاوت دارد و با آن به رقابت بر نمی‌خیزد) ترویج فنون تامین مالی بلند مدت در جوامعی است که معمولاً به نگرش کوتاه مدت خو گرفته‌اند. بانک‌های توسعه صنعتی که به بسط سرمایه داخلی می‌پردازند، معمولاً به مثابه مجرای ورود سرمایه خارجی و نیز تدارک کمک‌های فنی به شرکت‌های خصوصی عمل می‌کنند.

بندیک کتاب خود را در ۵ بخش اصلی تنظیم کرده است. بخش اول کتاب به پیشینه صنایع شامل ساز و کارهای اقتصادی، الگوهای رشد، گرایش‌های اجتماعی، ملاحظات سبب و کار و سیاستهای حکومتی اختصاص دارد. او در بخش اول کتاب تاریخچه مفیدی از تحولات اقتصادی و صنعتی ایران و موانع فرهنگی توسعه صنعتی در یک کشور عقب مانده بدست می‌دهد. به عقیده نویسنده اقتصاد ایران در اوائل دهه ۱۳۴۰، یک اقتصاد وابسته به کشاورزی بود که بواسطه برخورداری از منابع غنی نفت و امکان استفاده از سرمایه خارجی، فرصتی استثنایی برای توسعه اقتصادی در اختیار آن قرار گرفته بود.

در بخش دوم کتاب، بازارهای پول در ایران مورد بحث قرار گرفته است. در این بخش، نویسنده ساختار سرمایه در گردش، اختصاص سرمایه به مصارف غیرصنعتی، موانع سرمایه‌گذاری خارجی در ایران، رابطه بازار و نظام بانکی را تشریح کرده است. او در این فصل تسلط بی چون و چرای بازار بر شبکه

توزیع و ربا خواری را با دقت واکاوی کرده است. به عقیده نویسنده، در ایران بانک‌ها از دل همان ساختار ربا خواری، بازار سر برآورده اند و در آن زمان طرز فکر و نوع اعتبارات آنها با بازار یکسان بوده است. در آن دوره بانک‌های تجاری و بازار در ایران هر دو در کار تامین مالی تجارت، ساخت و ساز و معاملات مستغلات فعالیت می‌کردند. ابزار مالی هر دو آنها نیز عمدتاً سفته بود. بانک و بازار تقریباً بدون استثنا بر اساس وثیقه‌های بازرسی نشده وام می‌دادند و در عمل هیچ گاه دغدغه‌ای بابت کاربرد وام، کارایی صرف وام و احتمال سود آوری کارآفرینان یا هر گونه ملاحظات مالی دیگری بر ذهن خود راه نمی‌دادند.

او نشان می‌دهد که منابع تامین مالی در آن دوره نسبتاً اندک و گران بوده است و بانک‌های تجاری محلی در عمل که با مشکل اضافه برداشت یا خطوط اعتباری ارائه نمی‌کردند. چنین کمک‌هایی را گاهی فقط برای شرکت‌های معروف انجام می‌دادند. برای تولید کنندگان بزرگ این امکان وجود داشت که اعتباراتی از عرضه کنندگان خارج اخذ کنند. در غیر این صورت چاره‌ای جز تنزیل صورتحساب‌های خود یا مشتریان‌شان پیش روی تولید کنندگان وجود نداشت. کارخانه داران خوش اقبالی که با بانک‌ها رابطه خوبی داشتند می‌توانستند بخشی از بازهای خود را با تنزیل ۱۲ درصد تامین کنند. با این حال بازار، اصلی‌ترین منبع تامین مالی صوری به در بازار مشتریان ممتاز می‌توانستند با نرخ ۱۸ الی ۲۲ درصد و سایر مشتریان با نرخ ۳۶ درصد منابع اضافی را بدست آورند. او استدلال می‌کند که توسعه صنعتی در ایران به دلایل مختلف با چالش‌های اساسی مواجه است. علاقه به واردات و سرمایه‌گذاری در مستغلات، الگوی مصرف بی‌بند و بار در نزد خانوارهای متوسط و نگهداری پس‌اندازها در حساب‌های بانکی در خارج از کشور از آن جمله است.

بخش سوم کتاب که طولانی‌تر است و بدنه اصلی مباحث آن را در بر می‌گیرد، به توضیح شیوه کار و نقش نهادهای جدید مالی در توسعه صنعتی می‌پردازد. در این بخش سیاست‌های اعتباری مؤسسات مالی جدید در ایران مورد تحلیل قرار گرفته است. در اینجا انواع و شرایط کمک‌های اعتباری و سایر ابزارهای انتخاب طرح‌ها و صنایع، فرایند بررسی طرح‌ها، نظارت بر وام‌ها و تجربه‌های عملیاتی مؤسسات مالی جدید مورد بحث قرار گرفته است.

بانک اعتبارات صنعتی که در سال ۱۳۳۵ تأسیس شد، اولین بانک تخصصی در حوزه صنعت بود که وظیفه اصلی آن اعطای وام به پروژه‌های صنعتی در کشور بود. با تشکیل این بانک، سرمایه بانک برنامه که در سال ۱۳۳۰ برای اداره صنایع دولتی تشکیل شده بود به آن منتقل شد و بانک از طریق تامین سرمایه اضافی مورد نیاز از سوی سازمان برنامه به عنوان بانک دولتی شروع به کار کرد. این بانک بعد از انتقال دارایی‌های آن به بانک تازه تأسیس توسعه صنعتی و معدنی، خود را تجدید سازمان کرد و از سال ۱۳۳۹ بطور عمده پروژه‌های کوچک و متوسط را در رشته‌های دارای اولویت از سوی دولت تامین مالی می‌کرد.

از محل کاهش ارزش پول ملی در سال ۱۳۳۶ و تجدید ارزیابی دارایی‌های خارجی بانک ملی که در آن زمان وظایف بانک مرکزی را بر عهده داشت، مبلغ ۷/۱ میلیارد ریال (معادل ۹۵ میلیون دلار) در اختیار دولت قرار گرفت و دولت تصمیم گرفت که این وجوه را برای اعطای وام به پروژه‌های کشاورزی و صنعتی صرف کند. مقرر شد اعتبارات صنعتی از این محل با همکاری وزارت صنایع و معادن وقت و بانک ملی توزیع شود. در اجرای این طرح در مدت سه سال و نیم، ۴۸ میلیارد دلار به صنایع وام داده شد. منابع «صندوق تجدیدنظر در ارزش پشتوانه اسکناس» در مقایسه با منابع بانک اعتبارات صنعتی بسیار بیشتر و ۶ برابر آن بود.

بدرغم فعالیت بانک اعتبارات صنعتی و صندوق تجدیدنظر در ارزش پشتوانه اسکناس، شاه و مقامات دولت ایران تمایل داشتند همانند ترکیه، هند و پاکستان در ایران نیز یک موسسه مالی تخصصی تحت هدایت بانک جهانی شکل گیرد. پیشنهاد اولیه تشکیل بانک توسعه صنعتی و معدنی در سال ۱۳۳۶، توسط ابوالحسن ابتهاج، در کنفرانس بین‌المللی توسعه صنعتی در سان فرانسیسکو مطرح شد. بانک جهانی از همان ابتدا در این پروژه وارد شد و با همکاری سندیکیایی از موسسات مالی امریکایی و اروپایی و دولت ایران این بانک شکل گرفت و در سال ۱۳۳۸ پای بر عرصه وجود گذاشت.

هدف اصلی این بانک عبارت از برانگیختن توسعه صنعتی در ایران از طریق ایجاد، بسط و نوسازی شرکت‌های خصوصی، علاوه بر ارائه کمک‌های مالی، قرار بود بانک مشارکت کارفرمایان خصوصی داخلی و شرکت‌های خارجی را تأمین کند و زمینه‌های لازم برای شکل‌گیری بازار سرمایه را در کشور فراهم آورد. برای حصول به اهداف خود، بانک به موجب اساسنامه آن مجاز بود اقدام به اعطای وام‌های میان مدت و دراز مدت، صدور ضمانتنامه‌ها و شرکت در سهام شرکت‌ها نماید.

با تشکیل این بانک دولت ایران ۲۶/۷ میلیون ریال (معادل ۶۳ درصد سرمایه بانک را پرداخت کرد. ۸ میلیون دلار از منابع مصرف نشده صندوق تجدیدنظر در ارزش پشتوانه اسکناس و کل پرتفو وام‌های بانک اعتبارات صنعتی معادل ۹ میلیون دلار، به بانک تسهیل منتقل شد. بانک توسعه صنعتی و معدنی علاوه بر منابع خود منابع بانک جهانی را که از طریق وام‌های توسعه‌ای اعطا می‌شد، اداره می‌کرد.

هر چند کارکرد هیچ یک از نهادهای مالی فوق‌خالی از اشکال نبود، نکته حایز اهمیت در این است که با ورود این نهادهای جدید به بازارهای مالی ایران، فرهنگ و دانش صاحبان صنایع و کارشناسان و مدیران دولتی و بانکداران ایران در زمینه الزامات فعالیت موسسات مالی تخصصی در کشور ارتقاء یافت و راه توسعه صنعتی کشور هموار گردید. این تجربه نشان داد که بدون ایجاد نهادهای مالی که در خدمت توسعه صنعتی باشند چرخ‌های صنعت کشور نمی‌تواند با سرعت قابل قبول به گردش در آید.

دو بخش پایانی کتاب در کنار هم به مباحث تأمین مالی صنعتی در دو مطالعه موردی مربوط بوده و در انتهای آنها پیشنهادات و نتیجه‌گیری‌های اصلی ارائه شده است.

این کتاب با همت و پشتیبانی مثال زدنی دوست ارجمند جناب آقای مهندس سید محمد بحرینیان آماده چاپ شده است. خدمت ایشان به پیشبرد دانش اقتصاد در کشور و برقراری پیوند میان تجارب ارزشمند مدیران صنعت کشور با مباحث نظری توسعه اقتصادی در کشورهایی که با تاخیر پای به عرصه صنعتی شدن می گذارند، در خور تحسین است.

بهروز هادی زنوز

www.ketab.ir

دیباجه

علاقه فراگیر به موضوع رشد اقتصادی کشورهای کمتر توسعه یافته در گوشه و کنار دنیا موجب انتشار مطالب فراوان در این زمینه شده است. با این حال در اغلب آن نوشته‌ها به جنبه‌های کلی توسعه اقتصادی توجه شده، کمتر تحقیق منتشر شده‌ای درباره مشکلات بخش‌های خاص در نظام‌های اقتصادی کمتر توسعه یافته وجود دارد.

تلاش آقای بندیک^۱ در این کتاب، تا جائیکه آگاهی دارم، در زمره نخستین کارها برای بررسی همه‌جانبه سابقه تأمین مالی صنعتی و نهادهای مالی در یک کشور کمتر توسعه یافته است. بررسی دقیق بازارهای مالی حتی در بهترین وضعیت نیز کار دشواری است. در انسان‌ها گرایش غریزی به پنهان‌کاری در امور و رمابط مالی وجود دارد. فقط در قلیلی از کشورهای پیشرفته صنعتی است که پنهان‌کاری در این زمینه را در بین رفته و مردم به افشای کامل اطلاعات مالی و پاسخگویی علنی پایبند شده‌اند. در بقیه کشورها که این روال پذیرفته نتوانسته است جای خود را در عرف و نیز در قانون به خوبی باز کند، دشواری‌های تحقیق درباره سوابق مالی و بازارهای سرمایه هنوز شدید است. تحقیق حاضر - هرچند به این علت به اندازه پررنگش مای مشابه در کشورهای پیشرفته دقیق نیست - کمک مهمی به ارتقای دانش ما درباره بخش مالی در این کشور در حال توسعه می‌کند.

محتوای توصیفی بحث‌های "آمین مالی" در ایران می‌تواند فی‌نفسه بسیار مفید باشد، ولی در این کتاب هدف بلندپروازانه‌تری مد نظر بوده است. آقای بندیک متن را با مشاهدات و توصیه‌های خطیر همراه کرده، مخاطب او بیشتر سیاست‌گذارانی بودند که دغدغه رشد دادوستد خصوصی و تأمین مالی آن بخش در کشورهای کمتر توسعه یافته را در سر دارند. مؤلف به علت سپری کردن تحصیلات در ایران و خاورمیانه، و زندگی در این منطقه به خوبی از عهده ارائه پنهان معنایی بر آمده است و خوشبختانه کتاب ظاهراً در ایفای وظیفه اصلی خود - برای مخاطبان اجرایی - موفق شده است.

این کتاب در قالب رساله دکترای در این مدرسه اقتصادی به انجام رسیده است و انتشار آن توسط «بخش تحقیقات» تا حدی با حمایت مالی همکاران در دانشکده بازرگانی - اروا - عملی شده است.

لارنس ای. تامپسون^۲

استاد مدیریت بازرگانی

بوستون، ماساچوست

ژوئن ۱۹۶۴

پیشگفتار نویسنده

زمان آغاز این تحقیق به بهار سال ۱۹۵۸ و سیمینار دکترای تأمین مالی به راهنمایی استاد لارنس تامپسون^۳ در دانشکده تحصیلات تکمیلی هاروارد در زمینه مدیریت بازرگانی باز می‌گردد. در خلال پژوهش برای سخنرانی درباره «صادرات سرمایه از ایالات متحده» به بررسی برخی از مؤسسات مالی تخصصی روی آوردم که به موضوع توسعه اقتصادی می‌پرداختند. به این ترتیب با دیدن یک مطالعه موردی^۴ که در همان سال برای کلاس درس استاد لینکلن گوردون^۵ در زمینه «روابط اقتصادی بین‌المللی» در دانشکده بازرگانی تهیه شده بود، توجه من به بانکداری توسعه صنعتی^۶ جلب شد.

پژوهش مذکور^۱ در تاسستان همان سال در واشنگتن آغاز کرده، سال بعد به هیأت اقتصادی ایالات متحده در تهران پیوست. در آنجا فرصت دستیابی به اطلاعات اولیه - از بانکداران ایرانی و خارجی، صنعتگران، تجار و مقام‌های - کمرتی - فراهم گشت. در مدت بیش از دو سال سکونت در ایران از مزیت برقراری رابطه صمیمی با «بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران»، «بانک اعتبارات صنعتی» و «بانک ملی ایران» برخوردار شدم که نماینده سه نهاد بزرگ وام‌دهی صنعتی در آن کشور محسوب می‌شد. در همان دوره توانستم «بانک اعتبارات صنعتی» را در رماندهی آمارهای مالی و تنظیم تقاضای وام آن بانک از «صندوق وام توسعه»^۷ یاری کنم. همچنین در سوت یکی از نمایندگان ایالات متحده در هیأت مدیره «صندوق ضمانت صنعتی ایران و آمریکا» بودم که به ارائه مشاوره در طراحی تقاضانامه‌های وام و تقاضانامه‌های داخلی بانک اعتبارات صنعتی پرداخته و در آماده‌سازی درخواست وام از «صندوق وام توسعه» نیز کمک کردم. دو سال بعد در تابستان ۱۹۶۳ فرصت یافتم تا دوباره در قالب یک مأموریت ویژه برای «مؤسسه توسعه بین‌المللی» به ایران بروم. این بار هر دو ارتباط خود با بسیاری از منابع تحقیقاتی قبلی را زنده کرده، توانستم پژوهش خود را روزآمد سازم. بخش‌های خصوصی و دولتی ایران به بهترین شکل با فعالیت پژوهشی من همکاری کردند و من مدیون بسیاری از اتباع ایرانی می‌باشم. آنانی هاستم که وقت خود را برای من صرف کرده، امکان دسترسی به مطالب فراوان را مهیا کردند به ویژه از آنان که در خلال مصاحبه‌های طولانی، عدم تسلط من به زبان‌های فارسی، آلمانی یا فرانسوی را تاب آوردند، سپاسگزارم.

همچنین می‌خواهم قدردانی خود از چند نفر را اعلام کنم که راهنمایی و کمک‌های ایشان ارزشمند بوده است: آقای ابوالحسن ابتهاج (رئیس بانک ایرانیان، رئیس سابق سازمان برنامه و بودجه و رئیس

3- Lawrence Thompson

4- Industrial Development Bank of Turkey, ICR, 153.

5- Lincoln Gordon

6- Industrial Development Banking

7- Development Loan Fund

بانک ملی؛ دکتر علینقی فرمانفرمائی (مدیرعامل بانک اعتبارات صنعتی)؛ آقای پیتر هویزر^۸ (که بعدها نماینده «بانک آمریکا» در ایران و مشاور ارشد «بانک تجارت خارجی ایران» شد)؛ آقای دکتر رضا مقدم (که بعدها قائم مقام رئیس کل بانک مرکزی ایران شد)؛ آقای جورج میدنباور^۹ (که بعدها مدیر اداره وام‌ها در بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران شد)؛ آقای محمدعلی معین‌امین (صنعتگر بخش خصوصی در شهر اصفهان)؛ مهندس رضا رزم‌آرا (رئیس شرکت «مشاوران مدیریتی پرس-تکنو»^{۱۰} و معاون سابق وزیر صنایع و معادن)؛ آقای دونالد رس^{۱۱} (که بعدها خزانه‌دار بی. اف. گودریچ ایران گردید) و دکتر ویلم راوستیجن^{۱۲} (مدیرعامل بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران).

در نهایت می‌خواهم از دین بزرگ خود به همسر - هیلدگارد^{۱۳} - بگویم که خستگی‌ناپذیر و مشتاقانه بای آماده‌سازی این پژوهش زحمت کشید. البته مسؤولیت محتوا و نتیجه‌گیری‌های این پژوهش فقط بر عهده نویسنده است.

ریچارد البوت بندیک

کراچی، پاکستان

ژانویه ۱۹۶۴

8- Pieter Huizer

9- George Meidenbauer

10- Pers-Techno

11- Donald F. Ress

12- Willem A. van Ravesteijen

13- Hildgard